

پیکاسوی زبان فارسی

ایرج زبردست

برای یدالله رویایی

۱

عاقبت صدای تو هوا شد و حرف تازه‌ای در من خیره و وسیع ماند. حرف و هوایی روشن که مثل عطر شاد هزارساله‌ی بامداد، ابتدای جهان را در جان همه‌ی سمت‌ها زمزمه ریخته است. نمی‌دانید چقدر فاصله راه را در من فریاد زده است، فریادی شبیه تعریفی که با آن، این‌گونه شوق را تا هفت آسمان، عریان به دیدار رنگین‌کمان می‌برم. حالا نزدیک شده‌ام نزدیک نزدیک، نزدیک به دورترین امضا، به راوی زبانی که سر بر شانه‌ی ازل دارد و خواب همه‌ی واژه‌ها را تا بیداری مرگ سطر شده است.

۲

باری تو با دیروزهای من آنقدر هم‌سایه‌ای و هم‌شکل، که فکر می‌کنم روزگاری دور دور را با تو در حوالی غریب بی‌ثانی‌ای زیسته‌ام، فکر می‌کنم من و تو آفریدگانی قبل از پیدایش آدم و حوا بوده‌ایم که جز کلمه هیچ هدیتی از آن شهرزاد مجهول به ما نرسیده است. سلام رویایی‌ترین حرف، سلام زیباترین لغت، سلام والای بی‌غروب، سال‌ها بود چشم به راه این صدای ماه با شب‌های ممتد خسته پیر می‌شدم، صدايت مثل فکر مرا تا مسیرهای نایاب کشف کشاند و زمان در من به جای سنگ و آب، در امضا و گذشته رو به آغوش هستی فکر می‌کرد. فکر این — ابدنوشت ازل سرشت — این معترف نامرئی، شاهده‌ی که در ما با صدای بلند مثل موربانه دیوار جان را می‌تراشد، تا بترسیم از سایه‌های ترک خورده و منحنی. می‌دانی خوب می‌دانی، همیشه فکر و ترس در آغوش هم، نجوای آن حجم تیره را در آدمی مثل تازیانه می‌کند.

۳

فقط یک آرزوی نیامده‌ی دیگر سر بر شانه‌ی رویا دارد، آن هم دیدار در دیاری است که دور را در تو نزدیک کرده است، و تو با آن، جان بر سر کلمه‌ها گذاشته‌ای، سرزمینی که جوانی تو را بسیار بوسیده و بوییده است. آسمان دقیقه‌هایت پر از طلوع، پر از امضا‌هایی که شاید آینده در جستجوی تک‌تک آنها پرواز در کشف بریزد. فکر می‌کنم همه‌ی دیروزهای دیر و پیر تو را می‌شناسند، فکر می‌کنم همه‌ی روزهای نیامده می‌آیند تا تو را برای فردا و آن ساکنان پر از ادامه تعریف کنند. ای رویای دریا! قدم زدن در این سطرها، فقط نقاشی احساس من روی بوم ساده‌ی وقت و حرف بود. می‌خواهم عبور کنم از این همه غافلگیری متن، اما حرفی انگار در من جا مانده است، حرفی شبیه عبارتی دیگر، از جنس ازل و رازی که مرگ را در ما تکثیر می‌کند، حرفی که مرا پر می‌زند تا هوای اعتراف. رود نام دیگر توست، بی‌گمان دشت‌های تشنه‌ی فردا نام تو را همواره نفس خواهند کشید.